

طرحی برای جهان آینده

مانیفستی برای تغییر جهان

محمد مهدی نجفی

ما خواهان جهان دیگری هستیم و از خود می پرسیم آیا این جهان نمی تواند به گونه ای «دیگر» باشد؟ این پرسش، امکان های دیگری را فراسوی «وضع موجود» و در برابر ما قرار می دهد. اما تا درنیابیم این جهان چگونه ساخته شده، هرگز نمی توانیم آن را بازآرایی کنیم، تغییر دهیم و از نو بسازیم.

برای ما جهان کنونی آنی نیست که باید باشد و این «باید»، بیانگر ضرورتی است که ادامه این وضع را ناممکن می داند. این «ضرورت» را نه منافع فردی یا گروهی، بلکه منافع جمعی جوامع انسانی ایجاد می کند؛ انسان هایی که بر این کره خاکی حیات دارند و آیندگانی که در پی آن ها خواهند آمد.

پیشرفت های تکنولوژیک بشر بیشتر از هر زمانی، به طور بالقوه زمینه دگرگونی جوامع انسانی را فراهم ساخته و بیشتر از هر زمانی به طور بالفعل به ابزار سرکوب، کنترل و ظهور واپسگرایی بدل شده است. با توجه به بحران های جهانی و زیست محیطی، و خطرات فزاینده بنیادگرایی و واپسگرایی، ضرورت دگرگونی این جهان «فوریت» یافته است.

از آنجا که مرگ و زندگی ما در این جهان است، خواه یا ناخواه، هر یک از ما به عنوان انسان، موقعیتی را در این جهان اشغال کرده ایم. پس ناگزیریم در برابر آن موضعی اتخاذ کنیم. می توانیم جهان را به بخت و اقبال واگذاریم، یا برای تغییر آن دست به کار شویم و جهانی دیگرگونه بسازیم. خوش اقبالیم که در این انتخاب آزادیم.

انسان تنها موجودی است که از خود فراتر رفته است و همواره آگاهی‌اش را به ورای خود گسترانیده است. این آگاهی چگونه و از کجا فراهم شده است؟ پاسخ‌های فراوان و متفاوتی وجود دارد. آنچه روشن است، این است که انسان به‌واسطه این آگاهی، همواره خود را نسبت به سایر جانداران برتر و در مرکز جهان انگاشته است؛ اگرچه اکنون دریافته‌ایم ماحصل آن، بیشتر فجایع انسانی و زیست‌محیطی بوده است. فجایعی که حتماً ممکن است روزی انسان را در سطح وسیعی منقرض سازد و از آن نشانی باقی نگذارد. اما از سوی دیگر، این آگاهی و دانش، سرچشمه اراده‌ای است که به انسان «توان» تغییر و تحول جهان را می‌دهد.

ما جهان را چنین که هست پذیرا نمی‌شویم. جهان چه با تقدیر یا مشیت جهان شده باشد چه متناسب با ضرورت و اراده‌ها، در هر صورت آن را اینگونه که هست به رسمیت نمی‌شناسیم. منطق آن را نمی‌پذیریم؛ چراکه منطق آن مبتنی بر «قدرت» است و منطق قدرت جز سلطه، اسارات، نابرابری، زیاده‌خواهی، انحصارطلبی و بهره‌کشی نیست.

بنابراین اولین قدم برای تغییر جهان، تغییر در «منطق» جهان است. لغو منطق قدرت و برقراری آزادی و برابری؛ و در پی آن توان‌مندی، قناعت، دیگردوستی و بهره‌مندی. اما برای تغییر منطق جهان باید جهان را «به‌تمامی» تغییر داد. برای اینکه چیزی از قلم نیفتد، تغییراتی که خواهان آنیم را دسته‌بندی و به‌صورت مختصر تا حد توان شرح می‌دهیم:

الف. تغییرات سیاسی:

الف. ۱: توسعه‌ی آزادی و برابری.

فارغ از باور، نژاد، قومیت، ملیت، جنسیت و گرایش‌های جنسی. با به‌رسمیت شناختن تمامی تفاوت‌ها.

الف. ۲: تقلیل دولت به یک کارگزار.

با حداقل بوروکراسی و به دور از گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک.

با تفویض اختیارات و کنترل واقعی امور به مردم.

الف ۳: ارتقاء انواع دموکراسی‌های غیرمستقیم به دموکراسی مستقیم.
تشکیل شوراهای اتحادیه‌ها در کلیه سطوح اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.
(محل، شهر/روستا، منطقه، کارخانه، اداره، بنگاه، فروشگاه، مشاغل، اصناف، مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، اجاره‌نشینان و ...)
اداره امور با نهادسازی و سازماندهی از پایین.

الف ۴: محلی‌گرایی، خودگردانی و اداره شورایی.
هماهنگی مرزهای اداری و سیاسی با اقتضات اقلیمی و زیست‌بوم.
ارتقاء دولت - ملت‌ها به انجمن‌های خودانگیخته.

الف ۵: پیوند شوراهای ملی در یک سطح بین‌المللی.
مرززدایی از جهان.

ب. تغییرات اقتصادی:

ب ۱: لغو ارزش‌افزایی پول.

حذف کلیه اشکال سود و بهره .

تثبیت قیمت‌ها .

تنظیم نقدینگی با فرض عرضه و تقاضای برابر .

تاسیس یک واحد پول جهانی بر پایه‌ای الکترونیکی .

ب.۲: دستمزد برابر .

تعیین دستمزد برابر برای کلیه مشاغل .

(افزایش دستمزد مشاغل سخت از قبیل کار در شرایط دشوار و مکان‌های آلوده، پرستاری از بیماران و

مراقبت از سالمندان، آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان .)

لغو مالیات جز برای مالکیت بر ابزار تولید و منابع ثروت .

ب.۳: حق برابر اشتغال عمومی .

کاهش ساعت کار تا برچیدن بیکاری .

ب.۴: حق زندگی رایگان .

تعیین یک سطح مشخص از حداقل‌های زیست شرافتمندانه برای همه انسان‌ها در مقیاس جهانی که

همواره متناسب با پیشرفت جامعه انسانی در حال رشد باشد .

ب.۵: لغو وراثت .

لغو وراثت برای مالکیت بر ابزار تولید و منابع ثروت .

ج. تغییرات اجتماعی :

ج ۱: تغییر سبک زندگی .
الغای انسان ماشینی .
مشارکت عمومی در کشاورزی و تولید محصولات زراعی و فعالیت‌های اجتماعی .

ج ۲: تغییر در مفهوم کار و فراغت .
ارتقاء زندگی کارمحور به زندگی با محوریت فراغت .
تقسیم اجتماعی کار .

ج ۳: تغییر در ساختار و مفهوم خانواده .
به رسمیت شناختن کار خانگی .
تقسیم داوطلبانه وظایف .

ج ۴: تغییر در معماری و شهرسازی .
توسعه شهرسازی انسان محور و دوست با طبیعت .
توقف احداث کلان شهرها به شیوه کنونی .
گسترش باغ‌ها و مزارع شهری .

ج ۵: تغییر در مفهوم تنبیه و مجازات .
لغو حکم اعدام .
برچیدن زندان‌ها .

د. تغییر در دانش و تکنولوژی:

د. ۱: تولید و اشاعه دانش رهایی بخش.

تضمین آزادی هرگونه دانش و تفکر.

شفافیت.

آزادسازی دانش از مناسبات پولی و قدرت.

د. ۲: افزایش بهره‌وری.

افزایش بهره‌وری با هدف کاهش میانگین ساعت کار لازم هر انسان در مقیاس جهانی.

د. ۳: الزام دانش و تکنولوژی در خدمت به طبیعت و محیط زیست.

توسعه محصولات و انرژی‌های پاک، دانش و تکنولوژی‌های نوین.

حفاظت از محیط زیست و گونه‌های زیستی.

توقف استفاده از انرژی‌های فسیلی، معادن و صنایع آسیب‌رسان.

د. ۴: لغو هرگونه انحصار دانش.

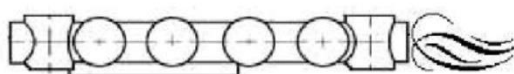
آرشیو و بایگانی دانش‌ها، تواریخ و اسناد، با دسترسی آزاد عمومی.

د. ۵: توسعه شبکه جهانی اینترنت و برنامه‌های زبان باز.

توسعه شبکه جهانی بدون هیچگونه محدودیت و رایگان.

تضمین امنیت شبکه با کنترل و نظارت از پایین.

تضمین آزادی شبکه‌های ارتباطی جهانی از کنترل شخصی یا گروهی، و مناسبات پولی و سیاسی .
استفاده از هوش مصنوعی در راستای کاهش بوروکراسی؛ نه جهت‌دهی، کنترل و سرکوب .



www.mindmotor.info